



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس (الثالث: الكنز)

مصادف با: ۱۶ رجب ۱۴۳۶

موضوع جزئی: مقام چهارم: نصاب خمس کنز

جلسه: ۱۰۸

سال پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در اعتبار نصاب در وجوب خمس در کنز بود. عرض شد درباره اعتبار نصاب در کنز دو قول وجود دارد؛ یک قول، قول به نصاب بیست دینار است و قول دیگر، قول به نصاب یک دینار است. ظاهراً در مورد کنز، قول به عدم اعتبار نصاب مطرح نیست بر خلاف معدن که در آنجا به جمع زیادی از قدما نسبت داده شده که قائل به عدم اعتبار نصاب در معدن بودند.

علی ای حال، مشهور بر این عقیده‌اند که برای وجوب خمس، نصاب بیست دینار یا دویست درهم در کنز لازم است. ادله‌ای بر این قول اقامه شده که یک دلیل را در جلسه گذشته ذکر کردیم و آن دلیل اجماع بود که گفتیم دلالت ندارد.

دلیل دوم: روایت

دلیل دوم روایت است؛ روایت بزنی که قبلاً هم این روایت را در بحث معدن نقل کردیم: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاعِ قَالَ سَأَلْتُهُ عَمَّا يَجِبُ فِيهِ الْخُمْسُ مِنَ الْكَنْزِ فَقَالَ مَا تَجِبُ الزَّكَاةُ فِي مِثْلِهِ فَفِيهِ الْخُمْسُ»؛ طبق این روایت، امام در مورد وجوب خمس در کنز فرموده‌اند اگر کنز به مقداری که زکات در آن مقدار واجب می‌شود، برسد، آن گاه خمس واجب می‌شود.

تقریب استدلال

چنانچه قبلاً گفتیم در مورد این روایت اختلاف است که آیا دلالت بر مماثلت در جنس و ماهیت می‌کند یا دال بر مماثلت از حیث مقدار و کمیت است. مشهور از این روایت مماثلت در مقدار و کمیت را استفاده کرده‌اند، یعنی می‌گویند راوی سؤال از کنزی کرده که در آن خمس واجب است. چون «ما» در سؤال راوی «عما يجب فيه الخمس» موصوله است و «من الكنز» هم بیان برای «ما» است. طبق این احتمال، معنای روایت این است: "سألته عن الكنز الذي يجب فيه الخمس" لذا معنایش این است که سؤال از کنزی شده که خمس در آن واجب است، امام هم در جواب فرمودند: «ما يجب فيه الزكاة في مثله ففيه الخمس»؛ طبق این احتمال سؤال از مقدار است، جواب هم بر اساس سؤال راوی مختص به مقدار است یعنی همان مقداری که در آن زکات واجب می‌شود، همان مقدار موجب ثبوت خمس است. وصول به بیست دینار زکات را در طلا و وصول به دویست درهم زکات را در نقره واجب می‌کند. پس سؤال از مقدار است و جواب هم احاله شده به مماثلت

۱. من لايحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۱، حدیث ۷۵؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۹۵، باب ۵ از ابواب ما يجب فيه الخمس، حدیث ۲.

در مقدار یعنی آن مقداری که موجب تعلق زکات است، اگر در کنز محقق شود موجب تعلق خمس است. لذا طبق این بیان، این روایت بر اعتبار بیست دینار دلالت می‌کند.

صاحب ریاض تصریح می‌کند که اصحاب از این روایت، مماثلت در مقدار را فهمیده‌اند یعنی مماثلت کنز با آنچه زکات در آن واجب می‌شود از حیث مقدار. مقدار هم بیست دینار است و این ملاک قرار گرفته در باب کنز و در اینجا هم ملاک بیست دینار است.^۱

نکاتی در اینجا وجود دارد که در ادامه عرض خواهیم کرد. اینکه ملاک خصوص بیست دینار است یا شامل دویست درهم، هم می‌شود، این را بعداً بررسی می‌کنیم. اجمالاً فعلاً فقط اصل مقدار نصاب (بیست دینار) که در کلام امام (ره) آمده و مرحوم سید هم ذکر کرده‌اند باید روشن شود تا به جزئیات بعدی برسیم.

این روایت با این تقریب بر اعتبار بیست دینار به عنوان نصاب وجوب خمس کنز دلالت می‌کند لکن بعضی از این روایت برداشت دیگری دارند که عرض می‌کنیم.

اشکال

محقق خوبی در دلالت این روایت اشکال کرده؛ ایشان معتقد است که این روایت دال بر اعتبار مماثلت از حیث ماهیت است نه از حیث مقدار. ایشان می‌فرماید: بر خلاف صحیحه دیگر بزنطی که در باب معدن وارد شده و در آنجا بحث از مماثلت از حیث مقدار است، در این صحیحه بزنطی بحث از مماثلت در ماهیت و جنس است نه مقدار و کمیت.

برای اینکه این مطلب واضح‌تر شود روایت دیگری که از بزنطی در باب معدن وارد شده را نقل می‌کنیم: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَمَّا أَخْرَجَ الْمَعْدِنُ - مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ هَلْ فِيهِ شَيْءٌ قَالَ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ - حَتَّى يَبْلُغَ مَا يَكُونُ فِي مِثْلِهِ الزَّكَاةُ عِشْرِينَ دِينَاراً»؛ طبق این صحیحه، بزنطی سؤال می‌کند از آنچه معدن اخراج می‌کند که آیا در آن چیزی (حقوق مالی) ثابت است؟ امام (ع) می‌فرماید: چیزی ثابت نیست تا اینکه (آن چیزی که در مثل آن زکات است) به بیست دینار برسد.

در مورد این روایت یک بحثی مطرح شد و آن اینکه فاعل «یبلغ» چیست که ما فعلاً با آن کاری نداریم، عمده این است که محقق خوبی می‌گوید در این روایت سؤال از مقدار و کمیت آن چیزی است که از معدن خارج می‌شود. ایشان چند گزینه هم ذکر می‌کنند از جمله «عما يخرج المعدن من قليل او كثير».

به هر حال به نظر ایشان در این صحیحه بزنطی سؤال از مقدار و کمیت می‌کند یعنی سؤال از این است که معدن به چه اندازه اگر برسد خمسش واجب می‌شود؟ امام می‌فرماید: به بیست دینار اگر برسد خمس آن واجب است. در مورد این صحیحه بین محقق خوبی و دیگران اختلاف نیست و همه معتقدند از این روایت مماثلت در مقدار و کمیت استفاده می‌شود اما در صحیحه دیگر بزنطی که مربوط به کنز است اختلاف وجود دارد؛ محقق خوبی می‌گوید از صحیحه بزنطی در باب کنز مسئله مقدار و کمیت استفاده نمی‌شود بلکه سؤال از جنس و ماهیت است و هیچ ملازمه‌ای نیست بین این دو صحیحه

۱. ریاض، ج، ص ۲۴۹ و ۲۵۰.

۲. تهذیب، ج ۴، ص ۱۳۸، حدیث ۳۹۱؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۹۴، باب ۴ از ابواب ما یجب فیہ الخمس، حدیث ۱.

که اگر صحیحه بزنی در باب معدن دلالت بر مماثلت از حیث مقدار و کمیت کند، حتماً صحیحه دیگر هم دلالت می‌کند بر مماثلت از حیث مقدار.

پاسخ اشکال

ما با نظر ایشان موافق نیستیم؛ ظاهر این روایت به همان بیانی که گفتیم، مماثلت از حیث مقدار و کمیت است چون «ما» موصوله است و «من الكنز» هم بیان «ما» است؛ «سألته عما يجب فيه الخمس من الكنز». یعنی: «سألته عن الكنز الذي يجب فيه الخمس» آن کنزی که خمس در آن واجب است چه مقدار است؟ امام می‌فرماید: همانی است که در زکات است. قرینه مهمی که تأیید می‌کند این سخن را و اینکه صحیحه بزنی در باب کنز دلالت بر مماثلت از حیث مقدار می‌کند، جواب امام (ع) در هر دو صحیحه است؛ مهمترین اشکال به محقق خوبی این است که چگونه شما یک جواب امام را با یک تفاوت مختصر در جایی حمل بر مماثلت از حیث جنس و ماهیت می‌کنید و در جای دیگر حمل بر مماثلت از حیث مقدار می‌کنید؟

جواب امام در صحیحه اول: «فقال: ما يجب فيه الزكاة في مثله ففيه الخمس»

جواب امام در صحیحه دوم: «قال: ليس فيه شيء حتى يبلغ ما يكون في مثله الزكاة عشرين ديناراً»

تفاوت این دو جواب از دو جهت است: یکی از حیث اضافه بودن «یبلغ» در جواب در صحیحه دومی لکن در صحیحه اول کلمه یبلغ را ندارد. دیگری از حیث تصریح به «عشرين ديناراً» که در روایت اول «عشرين ديناراً» را نگفته و فقط گفته «ما يجب فيه الزكاة في مثله ففيه الخمس» اما در صحیحه دوم کلمه «عشرين ديناراً» را آورده است. ذکر این قید از جهتی تأثیر دارد ولی در اصل مسئله، «ما يكون في مثله الزكاة» با «ما يجب الزكاة فيه الزكاة في مثله» یکی است. ما اگر روایت دوم را بر مماثلت در مقدار حمل می‌کنیم، قهراً صحیحه اول را باید به همین معنا بگیریم.

پس مسئله این است که ما نمی‌توانیم این جواب را در باب معدن حمل بر مماثلت از حیث مقدار و در باب کنز حمل بر مماثلت از حیث ماهیت کنیم.

مماثلت در ماهیت یعنی اینکه همان چیزی که زکات در آن واجب است، در کنز نیز متعلق خمس است. در باب زکات طلا و نقره مسکوک متعلق زکات است، یعنی درهم و دینار کنز هم همین گونه است. طبق بیان محقق خوبی در صورتی خمس در کنز واجب است که کنز از جنس طلا و نقره مسکوک باشد، یعنی غیر طلا و نقره مسکوک (درهم و دینار) اگر پیدا شود، خمس در آن واجب نیست یا طلا و نقره غیر مسکوک پیدا شود. اینجا به نظر محقق خوبی متعلق خمس نیست. اگر اشیاء عتیقه پیدا شود به نظر محقق خوبی متعلق خمس نیست چون این روایت بر اعتبار مماثلت در وجوب خمس در کنز و وجوب زکات از حیث ماهیت دلالت می‌کند. قبلاً هم گفتیم محقق خوبی اساساً کنز را فقط به درهم و دینار تفسیر می‌کند. مستند ایشان همین روایت است؛ کأن اگر غیر درهم و دینار از زمین کشف شود عنوان کنز بر آن صدق نمی‌کند. ما سابقاً در بحث معدن گفتیم این نظر باطل است؛ گفتیم به نظر ما مطلق هر چیز دارای ارزش و قیمت که در جایی پنهان شده، عنوان گنج دارد (می‌خواهد طلا و نقره مسکوک یا غیر مسکوک باشد و یا اصلاً غیر طلا و نقره باشد) اما محقق

خویی اصطلاحاً کنز را به طلا و نقره مسکوک یعنی درهم و دینار اطلاق می‌کند و احکام کنز را فقط بر درهم و دینار جاری می‌دانند.

پس آنچه که به عنوان اشکال بر این دلیل مطرح شده به نظر ما وارد نیست و صحیحه بزنی به عنوان یک روایتی که سنداً و دلالتاً مورد قبول است و بر اعتبار نصاب بیست دینار در باب کنز (طبق تقریبی که ما برای استدلال به این روایت گفتیم)، دلالت می‌کند و اشکالی که به این روایت می‌تواند وارد شود همان استظهار محقق خویی است که به نظر ما وارد نیست لذا حق با مشهور و امام (ره) است که نصاب بیست دینار برای وجوب خمس لازم است.

البته غیر از این روایت، روایت دیگری را هم شیخ مفید به صورت مرسل نقل کرده ولی چه بسا آن روایت همین صحیحه بزنی باشد یعنی اینها دو روایت نیستند و مضمونشان یکی است. هر چند صاحب وسائل اینها را به عنوان دو روایت آورده است. اگر آن روایت شیخ مفید هم همین باشد که مشکلی ندارد و اگر مستقل باشد، آن روایت از نظر سندی اشکال پیدا می‌کند چون شیخ مفید به صورت مرسل نقل کرده است.

نتیجه

و کیف کان به نظر ما دلیل دوم می‌تواند اعتبار نصاب بیست دینار را در مورد کنز اثبات کند، یعنی خمس در کنز وقتی واجب است که ارزش آن به بیست دینار برسد.

شمول نصاب نسبت به دویست درهم

بحثی در اینجا وجود دارد که آیا در اینجا خصوص بیست دینار ملاک است؟ در عبارت امام (ره) به یک نحو مطرح شده و مرحوم سید به گونه‌ای دیگر بیان کرده است. اینجا یک اختلافی وجود دارد که آیا بیست دینار نصاب کنز است؟ یا بیست دینار و دویست درهم؟ یا بیست دینار برای طلا و دویست درهم برای نقره و اقلهما قیمة برای غیر طلا و نقره؟ اصل نصاب ثابت است اینکه فی الجملة بیست دینار نصاب وجوب خمس در کنز است ثابت شده اما نکاتی باید در اینجا مورد بررسی قرار بگیرد. اینکه دویست درهم هم نصاب محسوب می‌شود یا نه؟ آیا به دویست درهم می‌شود فتوا داد یا اینجا هم باید احتیاط کرد؟ آیا اقلهما قیمة قابل استفاده است یا نه؟ که إن شاء الله در جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

«الحمد لله رب العالمین»